

تحلیل مفهوم شجاعت از منظر قرآن و احادیث

سیدمحمدحسن هاشمی^۱، محمد مهدی کریمی نیا^۲، فاطمه دسترنج^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک، استان مرکزی، ایران، فعال فرهنگی و پژوهشگر
^۲ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم، استان قم، ایران (نویسنده مسئول)
^۳ دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک، استان مرکزی، ایران

چکیده

بررسی پیرامون کلید واژه و مفهوم شجاعت و شهامت همواره در طول تاریخ مورد توجه بوده است. این موضوع به دلیل اهمیت آن حتی در قرآن کریم نیز آیاتی را به خودش اختصاص داده است. نیز در احادیث معصومان (ع) می توان تفسیر و تبیین این واژه را به عینیت ملاحظه کرد. می توان این واژه را به عنوان یک موضوع در سرفصل های تفاسیر موضوعی به کار بست و تمام آیات و احادیث مرتبط را پیرامون این موضوع جمع و بررسی کرد. گرچه تاکنون پژوهشی پیرامون این موضوع از نگاه قرآن و احادیث صورت نگرفته است؛ اما این تحقیق در پی آن است تا با یک روش تحلیلی _ تطبیقی و بر مبنای یک رویکرد منطقی و عقلانی به این موضوع پر مفهوم بپردازد و نظر قرآن کریم و احادیث را در حدّ توان پیرامون این موضوع جویا شود و به تفسیر صحیحی نسبت به این واژه دست پیدا کند.

واژه های کلیدی: شجاعت، شجاعت از منظر قرآن، شجاعت از منظر احادیث، مراتب شجاعت، آثار و موانع شجاعت.

مقدمه

بدون شک یکی از فضائل اخلاقی «شجاعت و شهامت و دلاوری» است، که در آیات قرآن کریم به عنوان یکی از زیباترین خصلت‌های انسانی به آن پرداخته شده است. مصداق بارز آن هم خود شهیدان هستند که از ابتدای تاریخ اسلام تا به امروز به این واژه‌ی پر مفهوم جلوه‌ی تازه‌ای بخشیدند و آن را به طریقی دیگر معنا کردند. اهمیت این موضوع به قدری است که شاید بتوان گفت نقش محوری را در زندگی هر انسانی ایفا می‌کند؛ به طوری که می‌تواند حتی پایه و اساس حکومت اسلامی قرار بگیرد و حکومتی را با شجاعت و دلاوری مردانش بشناسند؛ چنان که زیباترین شجاعت در طول تاریخ بشریت تنها مختص حضرت سید الشهداء امام حسین (ع) و یارانش می‌باشد و قطعاً این واژه بدون نام آنها اصلاً معنایی نخواهد داشت.

از طرفی این صفت نفسانی آن قدر حائز اهمیت است که حتی در احادیث امامان معصوم (ع) نیز به تناسب شرایط زمانی و مکانی به آن پرداخته شده است و در مدح آن مطالب جالب توجهی است که بیان آنها قطعاً خالی از لطف نیست؛ به طریقی که هر کدام از این کلمات گهربار و گران قیمت می‌تواند همچون چراغ راهی برای مؤمنان و پرهیزکاران در ادامه‌ی راه پر پیچ و خم زندگی خود قرار بگیرد. گرچه تا به حال تحقیقی بدین صورت در باره‌ی این موضوع بسیار مهم صورت نگرفته است؛ اما این پژوهش در پی آن است که با بررسی یکسری از آیات و احادیث و البته در حدّ توان خود با یک روش تطبیقی و بر مبنای یک رویکرد عقلانی در تبیین این مفهوم تمام تلاش خود را به کار بندد و نظر قرآن و احادیث را پیرامون این کلید واژه‌ی مؤثر در زندگی آدمی جویا شود تا بتواند به نظری صحیح دست پیدا کند.

۱. مفهوم شناسی

برای ورود به بحث اصلی نیاز به شناخت دقیقی از واژه‌ی مدّ نظر هست؛ تا بتوان به صورت دقیق به بحث و بررسی پیرامون این موضوع پرداخت.

۱-۱. مفهوم شناسی شجاعت

در علم لغت این واژه به معنای دلیری، دلاوری و پردلی و یا بی باکی آمده است. (معین، ۱۳۹۱ ش، ذیل واژه‌ی شجاعت). همچنان که علامه‌ی دهخدا این واژه را به این صورت معنا می‌کند: دلاوری، دل داری و دلیری و یا در جای دیگری می‌نویسد: دلیر شدن در کارزار. صفتی است از صفات اربعه جمیله که حد وسط است بین تهور و جبن (دهخدا، ۱۳۷۷ ش، ذیل واژه‌ی شجاعت)

و یا باز در جای دیگری می‌نویسد: یکی از کیفیات نفسانی است و از اقسام خلق است. (دهخدا، ۱۳۷۷ ش، ذیل واژه‌ی شجاعت).

۱-۲. کلمات مترادف شجاعت در زبان فارسی

واژه‌ی شجاعت در زبان و ادب فارسی، کلمات هم خانواده و یا هم معنای بسیار زیادی دارد که در قسمت بالا (مفهوم شناسی شجاعت) بدان پرداخته شده است و به طور کلی از این قرار می‌باشند: دلاوری، دلیری، عدم ترس، بی باکی، دل داری، و یا حتی در بعضی از موارد به داشتن قوت و غیرت معنا شده است.

در نقطه‌ی مقابل آن هم واژگانی همچون ترس و هراس قرار می‌گیرند. البته در اینجا منظور ما از واژه‌ی «غیرت» هر نوع غیرتی نیست؛ چرا که این صفت هم به دو قسم ممدوح و مذموم تقسیم خواهد شد. منظور اصلی همان غیرت ممدوح است که در روایات هم به آن پرداخته شده و مورد بحث قرار گرفته است.

۱-۳. مترادف تام یا مترادف ناقص در واژه شجاعت

طبق بیانی که گذشت؛ واژگان هم معنای کلمه‌ی شجاعت بررسی شدند؛ اما در واقع این به معنای مترادف تام در همه‌ی این موارد نیست. به عبارتی در زبان شناسی معاصر منظور از مترادف تام آن است که دو کلمه از همه‌ی جهات با هم مترادف باشند. (طیب حسینی، ۱۳۹۷ ش، ص ۱۱۹) که قطعاً در رابطه با واژه‌ی شجاعت تنها مترادف ناقص صدق خواهد کرد. به این معنا که دو کلمه در برخی کاربردها و سیاقها با یکدیگر مترادف هستند. (طیب حسینی، ۱۳۹۷ ش، ص ۱۱۹). به بیانی دیگر علت آن هم این است که هر واژه برای یک معنای خاص وضع شده است.

۱-۴. تعریف اصطلاحی واژه‌ی شجاعت

علامه‌ی نراقی در کتاب ارزشمند جامع السعادات این واژه را این طور معنا می‌کند: «شجاعت» در شمار «قوای غضبی» انسان هم به عنوان صفت ناپسند مورد بررسی قرار می‌گیرد و هم به عنوان صفت نیکو و حسن. از جمله صفات زشت در قوه غضبی، بی باکی و نترسی است. بی باکی یعنی انجام دادن کاری که شایسته نیست و عقل و دین آن را از عوامل نابودی و خطر می‌شمارد و تردیدی نیست که بی باکی از عوامل نابودی در این جهان و جهان آخرت است. (نراقی، بی تا، ج ۱، ص ۱۱۰ و ۱۱۱) فیض کاشانی در مفاتیح الشرایع می‌نویسد: شجاعت در علم اخلاق حد متوسط بی باکی (تَهَوُّر) و ترس (جُبْن) قرار داده شده است. (کاشانی، بی تا، ج ۲، ص ۲۷).

و در جای دیگری نیز ابن مسکویه در تهذیب الاخلاق این طور می‌آورد: شجاعت را به «پایداری و اعتدال در قوه غضبیه» تعریف کرده‌اند؛ به این معنا که انسان تحت فرمان عقل از انحراف به دو سوی افراط یعنی تَهَوُّر و تفریط یعنی ترس مصون باشد. انسان شجاع را نیز کسی می‌دانند که در عین داشتن قدرت روحی و قوت دل، خشم و غضب خود را نیز با نیروی عقل مهار کند. (مسکویه، بی تا، ج ۱، ص ۲۶)

۱-۵. تحلیل و بررسی

اگر در یک تعریف کلی بخواهیم جمع بندی و تعریف دقیقی از این واژه و معنای آن ارائه دهیم، قطعاً تعریف علامه فیض کاشانی تعریف جامع و خوبی است که به طور دقیق ذات این صفت را مشخص خواهد کرد؛ و به بیانی دیگر با زبانی ساده باطن این صفت را بیش از پیش روشن و نمایان خواهد ساخت.

۲. مراتب شجاعت

قطعاً این صفت پسندیده همچون بسیاری از صفات دیگر دارای مراتبی است که این مراتب هم به طریقی هم دارای شدت و هم دارای ضعف می‌باشند. اما به طور کلی شجاعت شامل چهار مرتبه است که این مراتب عبارتند از:

۱. اولین مرتبه‌ی شجاعت، غلبه‌ی بر دشمن در میادین مختلف است؛ چه در میدان جنگ باشد و چه در میادین دیگر. همچنان که خداوند در قرآن کریم به این موضوع اشاره می‌کند و می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ (سوره ی بقره، آیه ی ۲۴۷)؛

خدا او را بر شما برگزیده، و او را در دانش و توانایی جسمانی، فزونی بخشیده است.»

۲. دومین مرتبه از مراتب شجاعت، چیرگی و غلبه ی بر نفس خویشتن و به طور دقیق تر نفس اماره است که رسول خدا (ص) در این رابطه می فرماید:

«أَشَجَّ النَّاسُ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶ ش، ج ۱۳، ص ۷۶)؛

شجاعترین مردم، کسی است که بر هوس خود چیره آید.»

۳. سومین مرتبه ی شجاعت به تعبیری غلبه ی بر مشکلات زندگانی دنیوی و سختی ها و فراز و نشیب های آن می باشد که قرآن کریم در این رابطه می فرماید:

«أَحْسَبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ.

وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ» (سوره ی عنکبوت، آیه ی ۲ و ۳)؛

آیا مردم گمان کردند همین که بگویند: «ایمان آوردیم»، به حال خود رها می شوند و آزمایش نخواهند شد؟!

ما کسانی را که پیش از آنان بودند آزمودیم (و اینها را نیز امتحان می کنیم)، تا خداوند کسانی را که راست می گویند و کسانی را که دروغ می گویند مشخص سازد.»

۴. چهارمین مرتبه ی شجاعت و به عبارتی آخرین مرتبه ی آن چیرگی و غلبه ی بر صفات ناپسند و به بیانی دیگر همان صفات پست و رذائل اخلاقی است که بالاتر از آن مقامی نیست. تعبیر قرآن کریم هم در این رابطه بسیار جالب توجه است و می فرماید:

«وَلَوْ لَأَفْضَلُ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (سوره ی نور، آیه ی ۲۱)؛

و اگر فضل و رحمت الهی شامل حال شما نبود، هرگز احدی از شما پاک نمی شد، ولی خداوند هر که را بخواهد (و شایسته باشد) پاکیزه می سازد، و خدا شنوا و داناست.»

و نیز در جای دیگری می فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (سوره ی شمس، آیات ۹ و ۱۰)؛

هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار شده. و آن که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است.»

۳. تبیین مفهوم شجاعت از منظر قرآن کریم

آیات بسیاری در قرآن کریم چه به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم به این موضوع پرداخته اند، اما به دلیل دوری از اطناب در این تحقیق تنها به مهم ترین آیات در این رابطه خواهیم پرداخت و آنها را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱-۳. آیه‌ی اول در مفهوم شجاعت

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَهُمْ بُنْيَانًا مَرصُوصًا» (سوره‌ی صف، آیه‌ی ۴)؛

خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در یک صف در راه او پیکار می‌کنند گویی بنایی آهنین اند.

علامه‌ی طبرسی در تفسیر این آیه می‌فرماید: يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ این آیه دلالت بر این دارد که مربوط به کسانی است که وعده دادند در جنگ پایدار باشند و به آن وفا نکردند.

صَفًا كَانَهُمْ بُنْيَانًا مَرصُوصًا خود را به یکدیگر چسبانده یا به هم چسبیده بودند و گویی به گونه‌ای پیوسته به هم بودند که فاصله‌ای میانشان نبود. و گویی بنیانی است که بعضی از آن به بعض دیگر چسبیده و به هم فشرده شده است (طبرسی، ۱۳۷۴ ش، ج ۶، ص ۳۰۴).

وقتی در معنای این آیه‌ی شریفه و تفسیر آن به طور دقیق تامل شود؛ خواهیم دید که منظور قرآن از عبارت «بنیان مرصوص» به طور صریح و یا غیرمستقیم همان دلاوری و شجاعت مجاهدان فی سبیل الله است. بیان این نوع تشبیه که قرآن کریم به کار برده است، خود یکی از زیباترین تعبیری است که تا به حال در رابطه با این واژه و مفهوم آن به کار رفته است.

۲-۳. آیه‌ی دوم در مفهوم شجاعت

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۵۴)؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما، از آیین خود بازگردد، (به خدا زبانی نمی‌رساند). خداوند گروهی را می‌آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند. در برابر مؤمنان متواضع، و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند. در راه خدا جهاد می‌کنند، و از سرزنش هیچ ملامتگری هراسی ندارند. این، فضل خداست که آن را به هر کس بخواهد (و شایسته ببیند) می‌دهد. و فضل و احسان خداوند، گسترده و (او به همه چیز) داناست.

صاحب تفسیر نمونه در تبیین معنا و مفهوم این آیه می‌فرماید:

(و لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ). در حقیقت علاوه بر قدرت جسمانی، چنان شهامتی دارند که از شکستن سنتهای غلط و مخالفت با اکثریت‌هایی که راه انحراف را پیش گرفته‌اند، و با تکیه بر کثرت عددی خود دیگران را به باد استهزاء می‌گیرند، پروایی ندارند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵ ش، ج ۴، ص ۴۱۶)

در این آیه نیز همان طور که ملاحظه می‌گردد در فرازهای پایانی سوره اشاره به قدرت روحی و معنوی واژه‌ی شجاعت و بی‌باکی دارد و قرآن کریم در این اینجا نیز به طور صریح و مستقیم این واژه را مد نظر خویش قرار می‌دهد.

۳-۳. آیه‌ی سوم در مفهوم شجاعت

«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۲۹)؛

محمد فرستاده خداست. و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند.

در کتاب شریف تفسیر هدایت در رابطه با تفسیر این آیه به نکته‌ی بسیار جالبی بر می‌خوریم که از این قرار است: سپس قرآن به سخن گفتن در باره‌ی رسول (ص) و کسانی از مؤمنان که در پیرامون او بودند می‌پردازد و بیان می‌کند که شخصیت ایمانی آنان دارای دو بعد بود، بدین معنی که ظاهر آن عذاب و سختگیری بر دشمنان خدا را نشان می‌داد، و باطن آن مهربانی و لطف نسبت به یارانی که در مسیر واحد حرکت می‌کردند. (مدرسی، ۱۳۷۷ش، ج ۱۳، ص ۳۳۴)

در قسمت ابتدایی آیه که تعبیر «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» را به کار می‌برد؛ به طریقی منظور آیه دلآوری و عدم ترس پیامبر گرامی اسلام (ص) است و منظور این است که اگرچه پیامبر با شما مهربان و دارای اخلاقی نیکو است اما در برابر دشمنان اسلام هیچ گونه ترس و وحشتی به دل شریف خود راه نخواهد داد و نسبت به آنها بسیار سخت گیر است.

۳-۴. آیه‌ی چهارم در مفهوم شجاعت

«وَمَا أَبْرَأُ نَفْسِي إِنْ النَّفْسَ لَأَمَّارَةً بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ» (سوره‌ی یوسف، آیه‌ی ۵۳)؛

من خودم را تبرئه نمی‌کنم، که نفس (سرکش) بسیار به بدی‌ها امر می‌کند. مگر آنچه را پروردگارم رحم کند. پروردگارم آمرزنده و مهربان است.

واژه‌ی «آماره» صیغه مبالغه است؛ یعنی نفس انسان زیاد او را به بدی فرمان می‌دهد تا انسان را منحرف سازد؛ آری، انسان نمی‌تواند خود را از خطا برهاند، در حالی در چنگال نفس آماره اسیر است. و در ادامه می‌گوید: نفس انسان گرایشی به بدی (نیز) دارد و اگر در مدار لطف حق قرار نگیرد، سقوط می‌کند. خطر نفس آماره جدی است؛ بنابراین، نباید آن را ساده گرفت. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۸ش، ج ۱۰، ص ۱۱۲).

شاید سؤالی در رابطه با این آیه در ذهن خوانندگان پیش بیاید که اصلاً ارتباط این آیه‌ی شریفه با مفهوم شجاعت چیست؟ برای پاسخ به این سؤال باید گفت: گرچه در این آیه به طور مستقیم به معنا و مفهوم واژه‌ی شجاعت اشاره‌ای نشده است؛ اما با کمی دقت در می‌یابیم که چیرگی بر نفس، خود یکی از مراتب شجاعت می‌باشد که حتی در قسمت‌های ابتدایی این تحقیق نیز بدان اشاره شد.

۳-۵. آیه‌ی پنجم در مفهوم شجاعت

«فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ وَ أَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ» (سوره‌ی فجر، آیات ۱۵ و ۱۶)؛

اما انسان هنگامی که پروردگارش او را برای آزمایش، گرامی می‌دارد و نعمت می‌بخشد (مغرور می‌شود و) می‌گوید: «پروردگارم مرا گرامی داشته است!» و اما هنگامی که برای امتحان، روزیش را بر او تنگ می‌گیرد (مأیوس می‌شود و) می‌گوید: «پروردگارم مرا خوار کرده است!».

انسان زمانی که پروردگار او امتحان می‌کند او را باکرام او بمال و منال دنیا و به نعمتهای او پس تصور می‌کند و خیال می‌کند برای خوبی او است و نزد خدا محترم است و اما اگر امتحان کند او را پس تنگ بگیرد بر او روزی او را ناامید می‌شود و می‌گوید پروردگار من به من اهانت و بی‌اعتنایی کرده و غافل از این است که نه دولت و مکنت و ریاست و سایر نعم الهی دلیل بر خوبی او است بلکه چه بسا بر ضرر او باشد. (طیب، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۱۰۷)

در این آیه نیز صراحتاً و به طور مستقیم به مفهوم شجاعت پرداخته نشده است؛ اما نکته‌ی جالب توجه این است که از طریق قرینه‌ی معنایی می‌توانیم به مفهوم آن دست پیدا کنیم. و قطعاً مفهوم اصلی این آیه‌ی شریفه همان غلبه بر مشکلات و مشقات زندگی و به تعبیری فراز و نشیب‌های آن است که خود سومین مرتبه از مراتب این صفت عالی‌یه نفسانی را بیان می‌کند.

۴. بررسی مفهوم شجاعت از منظر احادیث

همان طور که آیات بسیاری پیرامون مفاهیمی چون دلوری و شجاعت و عدم ترس و بی‌باکی بیان شده است؛ احادیث بسیاری نیز در این رابطه وارد شده است که به مهم‌ترین احادیث در این زمینه خواهیم پرداخت.

۴-۱. احادیث گروه اول در مفهوم شجاعت

مولای متقیان حضرت علی (ع) در این رابطه می‌فرمایند:

«الشَّجَاعَةُ أَحَدُ الْعِزِّينِ، (آمدی، ۱۳۸۳ ش، غرر الحکم، ح ۵۵۲۹)؛

شجاعت نیمی از عزت است».

و همچنین می‌فرمایند:

«الشَّجَاعَةُ عِزٌّ حَاضِرٌ، (آمدی، ۱۳۸۳ ش، غرر الحکم، ح ۵۵۲۵)؛

شجاعت عزتی نقد و یا حاضر است».

و نیز می‌فرمایند:

«الشَّجَاعَةُ نُصْرَةٌ حَاضِرَةٌ وَ فَضِيلَةٌ ظَاهِرَةٌ، (آمدی، ۱۳۸۳ ش، غرر الحکم، ح ۵۵۳۰)؛

شجاعت، نصرتی نقد و فضیلتی آشکار است».

۴-۲. احادیث گروه دوم در مفهوم شجاعت

حضرت علی (ع) می‌فرمایند:

«لَوْ تَمَيَّزَتِ الْأَشْيَاءُ لَكَانَ الصِّدْقُ مَعَ الشَّجَاعَةِ، وَ كَانَ الْجَبِينُ مَعَ الْكَذِبِ، (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶ ش، ج ۵، ص ۴۸۴)؛

اگر خصلتها از یکدیگر متمایز می‌شدند، بی‌گمان راستی با شجاعت بود و بزدلی با دروغ».

همچنین در جای دیگری می‌فرمایند:

«السَّخَاءُ وَ الشَّجَاعَةُ عَرَائِزُ شَرِيفَةٌ، يَضَعُهَا اللَّهُ سَبْحَانَهُ فِيمَنْ أَحَبَّهُ وَ امْتَحَنَهُ، (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶ ش، ج ۵، ص ۴۸۴)؛

سَخَاوَت و شجاعت خصلتهای والایی هستند که خداوند سبحان آنها را در وجود هر کس که دوستش داشته و او را آزموده باشد می‌گذارد».

نیز می‌فرمایند:

«العَجْزُ أَفْقٌ، وَ الصَّبْرُ شَجَاعَةٌ، (سید رضی، ۱۳۷۹ش، حکمت ۴)؛

ناتوانی، آفت است و شکیبایی و صبر، شجاعت».

۴-۳. احادیث گروه سوم در مفهوم شجاعت

امیر مؤمنان حضرت علی (ع) می فرمایند:

«الشَّجَاعَةُ صَبْرٌ سَاعَةٌ، (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶ش، ج ۵، ص ۴۸۵)؛

شجاعت، ساعتی صبر کردن است».

همچنین امام حسن (ع) نیز در پاسخ به چیستی شجاعت می فرمایند:

«الإِمَامُ الحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَدْ سُئِلَ عَنِ الشَّجَاعَةِ: مُوَافَقَةُ الأَقْرَانِ، وَ الصَّبْرُ عِنْدَ الطَّعَانِ، (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶ش، ج ۵، ص ۴۸۵)؛

امام حسن علیه السلام در پاسخ به این سؤال که شجاعت چیست فرمود: ایستادگی در برابر هموردان، و پایداری در نبرد».

و باز در جای دیگری نیز حضرت علی (ع) می فرمایند:

«قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ، وَ صِدْقُهُ عَلَى قَدْرِ مَرُوتِهِ، وَ شَجَاعَتُهُ عَلَى قَدْرِ أَنْفَتِهِ، (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶ش، ج ۵، ص ۴۸۶)؛

قدر مرد به قدر همت اوست، و راستی و صداقتش به قدر مردانگی او، و شجاعتش به قدر غیرت او».

۴-۴. احادیث گروه چهارم در مفهوم شجاعت

مولای متقیان امیرالمؤمنین (ع) می فرمایند:

«أَشَجَعُ النَّاسِ أَسْخَاهُمْ، (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶ش، ج ۵، ص ۴۸۶)؛

شجاعترین مردم، بخشنده ترین آنهاست».

نیز می فرمایند:

«أَشَجَعُ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ الْجَهْلَ بِالْحِلْمِ، (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶ش، ج ۵، ص ۴۸۶)؛

شجاعترین مردم کسی است که با بردباری (خردمندی) بر نادانی چیره آید».

نیز می فرمایند:

«لَا أَشَجَعَ مِنْ لَبِيبٍ، (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶ش، ج ۵، ص ۴۸۶)؛

شجاع تر از خردمند وجود ندارد».

۴-۵. احادیث گروه پنجم در مفهوم شجاعت

امام جعفر صادق (ع) در حدیثی گهربار می فرمایند:

«ثَلَاثَةٌ لَا تُعْرَفُ إِلَّا فِي ثَلَاثِ مَوَاطِنَ: لَا يُعْرَفُ الْحَلِيمُ إِلَّا عِنْدَ الْغَضَبِ، وَلَا الشُّجَاعُ إِلَّا عِنْدَ الْحَرْبِ، وَلَا أُخٌ إِلَّا عِنْدَ الْحَاجَةِ، (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶ش، ج ۵، ص ۴۸۸)؛

سه کس اند که جز در سه جا شناخته نمی شوند: بردبار، به هنگام خشمگین شدن، شجاع در جنگ، و برادر به هنگام نیاز [به او]».

امام حسن عسکری (ع) می فرماید:

«لِلشُّجَاعَةِ مِقْدَارًا، فَإِنْ زَادَ عَلَيْهِ فَهُوَ تَهَوُّرٌ، (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶ش، ج ۵، ص ۴۸۸)؛

شجاعت اندازه ای دارد که اگر از آن فراتر رود بی باکی است».

حضرت علی (ع) می فرماید:

«ثَمَرَةُ الشُّجَاعَةِ الْغَيْرَةُ، (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶ش، ج ۵، ص ۴۸۷)؛

میوهی شجاعت، غیرت است».

۵. بررسی آثار و موانع مفهوم شجاعت

۵-۱. آثار شجاعت

مفهوم شجاعت دارای آثاری است از این قرار: ۱. صدق در گفتار و کردار اعمال انسان ۲. فاصله گرفتن از خصلت ناپسند و زشت نفاق و درویی ۳. پیروزی و غلبه بر دشمنان اسلام و کافران، که در قرآن کریم نیز به این مفهوم اشاره شده است. ۴. صبر و شکیبایی در برابر سختی ها و ناملایمات زندگی ۵. دریافت و رسیدن به فضل و رضای الهی.

۵-۲. موانع شجاعت

این مفهوم موانعی پیش روی خود دارد که عبارتند از:

۵-۲-۱. ترس و هراس

به تعبیری حتی می توان گفت که این مفهوم که دقیقاً نقطه‌ی مقابل شجاعت است؛ خود مهم‌ترین مانع در پیش روی این صفت پسندیده قرار خواهد گرفت و در بسیاری از موارد این صفت مورد مذمت و نکوهش قرار گرفته است.

۵-۲-۲. وجود شیطان

شیطان یکی از عواملی است که با انجام یکسری اعمال همچون زینت دادن دنیا و مادیات در برابر چشمان آدمی می تواند انسان را به گمراهی و حتی ورطه‌ی نابودی بکشاند. و زمانی که حس اعتماد به نفس در آدمی را سلب می کند، بی تردید نقش یک عامل جدی را به عنوان یکی از موانع شجاعت ایفا خواهد کرد.

۵-۲-۳. دنیاگرایی و عافیت طلبی

گرچه در زندگی هر انسانی دنیا می تواند به عنوان مقدمه‌ای برای رسیدن به آخرت قرار گیرد. اما همین امر به طریقی می تواند عامل اکثر بدبختی های زندگی آدمی باشد و نقش مانعی مهم را در برابر صفت شجاعت بازی کند.

نتیجه گیری

واژه‌ی شجاعت یکی از صفات پسندیده‌ی اخلاقی است که خود به عنوان یک فضیلت می‌تواند زینت بخش وجود هر شخص دارای این صفت نفسانی و در رأس خُلقیات او قرار گیرد. مفهوم شجاعت، مفهوم جالب توجهی که حتی می‌تواند سرنوشت یک ملت را تعیین کند و نیز به عنوان پایه و اساس یک حکومت قرار گیرد. این پژوهش در پی آن بوده است تا این واژه‌ی پر ذات و مفهوم را از منظر بزرگترین کتاب آسمانی و منبع وحی و نیز احادیث گهربار ائمه‌ی معصومین (علیهم السّلام) جویا شود؛ تا بتواند آن را همچون تصویری زیبا پیش روی چشمان خواننده‌ی خود قرار دهد. در رابطه با مفهوم شجاعت همین کافی است که بگوییم این واژه آنقدر پر اهمیت است که امیرمؤمنان حضرت علی (ع) که خود مظهر شجاعت است، به عناوین مختلف به این مفهوم زیبا اشاره می‌کند و یا حتی در بسیاری از موارد در پی تفسیر این واژه زیبا و بیان آفات آن بر می‌آیند. قطعاً مهم‌ترین دستاورد این تحقیق آن بوده‌است که بیان کند کسی که خودش را به این گونه صفات و به خصوص مفهوم شجاعت آراسته کند، می‌تواند در زندگانی دنیوی و اخروی خود به سعادت الهی دست پیدا کرده و در پی کسب رضای الهی برآید.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه (۱۳۸۴)، ترجمه‌ی استاد محمد دشتی. قم: انتشارات فرایض.
۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه‌ی دهخدا، موسسه‌ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۴. معین، محمد (۱۳۹۱)، فرهنگ فارسی معین، تهران: موسسه‌ی انتشارات امیر کبیر.
۵. صدری افشار، غلامحسین، حکمی، نسربین، حکمی، نسترن (۱۳۹۳ش)، فرهنگ معاصر فارسی، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
۶. طیب حسینی، سید محمود (۱۳۹۷ش)، درآمدی بر دانش مفردات قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۷. نراقی، محمد مهدی (بی تا)، جامع السعادات، بیروت: مؤسسه‌ی الأعلمی للمطبوعات.
۸. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (بی تا)، مفاتیح الشرایع فی فقه الامامیه، قم: کتابخانه‌ی آیت الله مرعشی نجفی.
۹. مسکویه، أبو علی أحمد بن محمد بن یعقوب (بی تا)، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، (بی جا): مکتبه الثقافه الدینیة.
۱۰. ری شهری، محمد محمدی (۱۳۸۶)، میزان الحکمه، ترجمه فارسی: حمیدرضا شیخی و دیگران، قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
۱۱. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۳۷۴) ترجمه‌ی تفسیر جوامع الجامع، ترجمه: احمد امیری شادمهری، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۸۵)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۳. مدرسی، محمدتقی (۱۳۷۷)، تفسیر هدایت، ترجمه: احمد آرام، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۴. رضایی اصفهانی، محمد علی با همکاری جمعی از پژوهشگران قرآنی (۱۳۸۸)، تفسیر قرآن مهر، قم: انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
۱۵. طیب، عبدالحسین (بی تا)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: کتابفروشی اسلام.
۱۶. آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی (۱۳۸۳ش)، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه: محسن موسوی، قم: موسسه‌ی علمی فرهنگی دارالحدیث.

۱۷. قرائتی، محسن (۱۳۸۷) ، تفسیر نور ،تهران : مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۸. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴)، تفسیرالمیزان، ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی، قم : دفتر انتشارات اسلامی.
۱۹. دلشاد تهرانی ، مصطفی (۱۳۹۱ش)، تفسیر موضوعی نهج البلاغه ، قم : دفتر نشر معارف.
۲۰. قرشی ، سیّد علی اکبر (۱۳۷۴ش)، تفسیر احسن الحدیث ، تهران : بنیاد بعثت.